

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال شانزدهم
شماره ۱۸۹ آذر ماه ۱۳۹۴ - دسامبر ۲۰۱۵

ای کشته کرا کشتی تا کشته شدی زار

پیرامون جنگ تروریستهای داعش با تروریسم دوقتی فرانسه

در تاریخ ۲۰۱۵/۱۱/۱۳ تروریستهای داعش که در اردوگاههای امپریالیستها آموزشهای نظامی لازم را دیده و در سوریه به عنوان "اپوزیسیون سوریه" با حمایت بیدریغ ناتو، ترکیه، عربستان سعودی و قطر به جنایت مشغول بودند، در کشور مادر به جنایات وحشیانه ای دیگری دست زدند که هرگز با تبهکاری ها و وحشیگریهای آنها نسبت به کشتار مردم سوریه که از حمایت تروریسم دولتی امپریالیسم فرانسه برخوردار بود، قابل مقایسه نمی باشند. انسان واقعی باید وجدانش از این همه تبهکاری چه در سوریه و لیبی و چه در فرانسه جریحه دار شود و آنها را محکوم کند. در قانون اساسی این کشورهای امپریالیستی نوشته اند که حیثیت انسانی را نمی شود جریحه دار ساخت، ولی کشتار آنها ظاهراً مجاز است و هر چه این کشتار وسیعتر و دستجمعی تر باشد سوگواری برای آن بی اهمیت تر است. امپریالیستهای غرب بیش از چهار سال است که بر این جنایات داعش در سوریه و عراق چشم فرو بسته، اخبار جنایات داعش را کتمان کرده و دست این تبهکاران بین المللی را در انجام این عملیات ضد مردمی و ضد انسانی به کمک متحدان بیرحم و مرتجعشان ترکیه و عربستان سعودی هم در سوریه و هم در عراق باز گذاشته بودند. در اروپا، فرانسه رهبری تجاوز به سوریه و دخالت آشکار در امور داخلی سوریه و نقض حقوق ملل را به عهده داشت. ... ادامه در صفحه ۲

"آنکس که باد می کارد، توفان درو خواهد کرد"

پیرامون علل پناهندگی

در حال حاضر مسئله آوارگان و پناهنجویان فقیر و جنگ زده، به سمت کشورهای غنی به مسئله روز بدل گشته است. یکی از علل اساسی این "اکسئوس" میلیونی، در کنار دخالت ها، تحریکات، تجاوزات نظامی و جنگ آفرینی های امپریالیسم- که توفان پیرامون آنها بسیار سخن گفته است- را باید در اعمال سیاست ها و روش های استعماری سه موسسه "سازمان تجارت جهانی"، "بانک جهانی" و "صندوق بین المللی پول"- به مثابه ابزاری در خدمت نفو لیبیرالیسم و سرمایه کلان بین المللی- بویژه در رابطه با مسئله یارانه و موانع تجاری، نظیر تعرفه های گمرکی جستجو کرد.

می دانیم که سازمان تجارت جهانی یکی از شرایط عضویت در این سازمان را قطع پرداخت یارانه و رفع موانع تجاری نظیر تعرفه های گمرکی تعیین کرده است. اما این شرط گویا برای همه کشورها ی عضولازم الاجرا نمی باشد! از یک طرف ایالات متحده امریکا و کشورهای عضو اتحایه اروپا به دلیل پرداخت یارانه های کلان کشاورزی و ایجاد موانع تجاری (تعرفه های گمرکی) عملاً قدرت رقابت را از صادرکنندگان محصولات کشاورزی کشورهای در حال توسعه (عقب نگاهداشته شده) می گیرند و از طرف دیگر مخالفند که ممالک عقب مانده اجازه پرداخت یارانه به کشاورزان خود را داشته باشند و به ایجاد تعرفه های گمرکی برای ممانعت از ورود کالاهای ارزان شده خارجی و حمایت از تولید داخلی دست بزنند و این در حالی است که کشاورزی در زمره معدود عرصه هائی است که کشورهای توسعه نیافته امیدوارند از این طریق به درآمد بیشتری دست یابند. غذای مردم این کشورها در ید اختیار امپریالیستها قرار می گیرد.

"لامپدوزا پلاتنفرم" (Lampedusa-Plattform) به درستی می نویسد:

"یکی از دلایل اصلی فرار و آوارگی مردم افریقا را باید در سیاست ضد افریقایی یارانه های امریکا و اروپا علیه افریقا جستجو کرد." برای نمونه در افریقای غربی قریب به ۲۰ میلیون نفر از کشت پنبه زندگی می کردند؛ ولی با... ادامه در صفحه ۲

مارکسیسم کهنه نیست، نو است و نو آفرین

برخی از این اصل درست که همه چیز در حال گذار و تکامل است، هر آنچه کهنه شد می میرد و نو به جای آن می نشیند، این نتیجه نادرست را می گیرند که بنابر این مارکسیسم لنینیسم نیز زمان خود را سپری کرده و می بایستی بجایش چیزی نو پدید آورد.

فراموش نکنیم که مارکسیسم لنینیسم خود دانش تغییر و تکامل جهان مادبست.

و بر اساس قوانین عینی و ضروری آن است که پراتیک تغییر و دگرگونی هر آنچه کهنه است و پدید آمدن و یا پدید آوردن نو صورت می پذیرد. چگونه می توان با اتکاء و استناد به علم تغییر و دگرگونی (به خوان مارکسیسم) خود آن علم را نفی کرد؟

قبل از شروع بحث به یک موضوع تعیین کننده و نه تنها در این زمینه؛ بلکه در همه مباحث تئوریک و ایده ای اشاره می کنیم. روی سخن ما در وهله اول با افراد نیست. با "ایست" هانیست. که چه کس مثلاً ماتریالیست است و کدام ایدالیست. بلکه تکیه ما در اساس بر "ایسم" است. بر علم مارکسیسم است. بر ماتریالیسم است و یا ایدالیسم و لا غیر. سخن بر سر ایده ها و نظرات، بر سر آن است که کدام "ایسم" واقعیت را انعکاس داده و حقیقت است. و روشن است که در این زمینه دفاع از مارکسیسم؛ برداشت ما از آن است. یعنی برداشتی حقیقی و نه غیر مارکسیستی؛ وگرنه زبان فرومی بستیم و رشته سخن را به دست دیگران می سپردیم. بگذار این را هم بگوئیم که ما بر آن نیستیم که حقیقت بشمار است و تعدد پذیر و هر کس مجاز است مارکسیسم را خود سرانه تفسیر کند و مدعی حقانیت خود باشد. مارکسیسم علم است و علم بازتاب حقیقت. بر سر یک امر واحد چندین حقیقت وجود ندارد.

در این ارتباط است که ما همه مدعیان مارکسیسم و کمونیسم را در یک ظرف نمی ریزیم و اگر یک جریان "مارکسیستی" و یا یک "ایسم" را مورد انتقاد و یا برخورد قرار می دهیم و حتی بر آن مهر ارتداد و یا انحراف ... ادامه در صفحه ۴

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران بپیونید

ای کشته کرا کشتی...

تمام دسیسه های هدفمند و برنامه ریزی شده امپریالیسم غرب بر متن پافشاری فرانسه و در این راستا ایجاد جبهه وسیعی از نیروهای ارتجاعی منطقه نظیر ترکیه، عربستان سعودی و قطر در اثر مقاومت قهرمانانه مردم سوریه با شکست مفتضحانه روبرو شد. مردم سوریه نشان دادند که علیرغم انتقادات محقانه خویش نسبت به رژیم مستبد خانواده اسد و حزب بعث حاکم، از استقلال میهن خویش به دفاع برخاسته و تسویه حساب با طبقه حاکمه در سوریه را وظیفه خود در آینده دانسته و آن را به قوای اجنبی واگذار نمی کنند. این مردم سوریه هستند که باید حق تعیین سرنوشت خود را داشته باشند و نه تروریستهای فرانسوی و اجیران بین المللی. داعش که دست پرورده امپریالیسم بوده و در اردوگاههای آنها آموزش نظامی دیده است، یک نیروی مزدور خارجی است و مردم سوریه نیز آنها را به همین عنوان می شناسند و از خود نمی دانند. به این جهت آنها هیچگاه در سوریه پا نگرفتند. این عده با سرمایه قطر و عربستان سعودی و سازماندهی سازمانهای امنیتی امپریالیسم غرب در بستر توسعه طلبی پان ترکیسم اسلامی ترکیه به سوریه گسیل شده اند تا در سوریه رژیمی مزدور و مطابق نقشه خاورمیانه بزرگ غرب بوجود آورند. مسئولیت رساندن محمولات نظامی و تدارکاتی از آذوقه، نوشابه، دارو، پوشاک، وسایل نقلیه، مواد سوخت گرفته تا درمان مجروحان جنگی در بیمارستانهای ترکیه به عهده تروریسم دولتی ترکیه است. تمام سلاحهای مدرن آنها را آلمانها، آمریکایی ها، و فرانسوی ها تامین می کنند، انتقال این تروریستهای توریست بین المللی توسط سازمان امنیت ترکیه انجام می شود. آنها دارای دفتر ارتباطات و نامنویسی در ترکیه هستند. بیش از ۶۰ هزار مزدور خارجی را به نام "اپوزیسیون سوریه" به سوریه گسیل داشته اند. نام و مدارک شناسایی و تابعیت تک تک آنها برای دولت ترکیه، اردن، فرانسه و... به خوبی روشن است. دولت آلمان صورت اسامی تمام مزدوران داعش را که در آلمان فریب شده و تحت حمایت دولت آلمان و تائید رسمی مقامات آنها به اعتراف رسمی رئیس پلیس مونیخ) راهی ترکیه شده اند دارا است. نمایندگان رسمی دولت آلمان در همان بدو امر اعلام کردند که اعزام دسته جمعی این تروریستها به سوریه را در خدمت منافع آلمان می دانستند، زیرا در اثر این **اینکار** تعداد این تروریستها در آلمان کاهش می یافت. این اقدامات امپریالیستهای تروریست، یادآور ایجاد سازمان تروریستی القاعده در افغانستان برای اخراج اشغالگران روس است. آنها مجدداً به بازی با تروریسم پرداختند و تروریستهای "خوب" را تا زمانی که "بد" نشده بودند در خدمت خویش به کار گرفتند. داعش همان راهی را می رود که القاعده رفت. با حمایت امپریالیستها و عربستان سعودی قدرت گرفت و حالا به مخالف منافع اولیه خود آنها بدل شده است و در قمار سیاسی جهانی که در اثر مقاومت مردم

سوریه، طرف بازنده اش را شکست دسیسه های امپریالیسم غرب تعیین کرده است، در منطقه توازن مطلوب امپریالیستی برهم خورده و آنها را مجبور کرده است که سیاستهای تاکتیکی دیگری در پیش گیرند. همین تغییر سیاست لحظه ای، با این نیت که داعش را در جهت خواسته های خویش مهار کرده و هدایت کنند، به تضادهائی منجر شده که فاجعه پاریس را پررورانه است. فرانسه قربانی سیاستهای تروریستی خود شده است. ولی امپریالیسم فرانسه قصد ندارد از تروریسم دست بردارد. قتل عام مردم پاریس دستاویز مناسب و "به موقعی" است تا امپریالیسم فرانسه در این دوران بحرانی، با ایجاد حکومت نظامی و تشدید قانونهای سرکوب مردم نخست بکوشد بر بحرانها داخلی خویش و تقویت بورژوازی حاکم امپریالیستی دست زده و خود را برای روز قطعی جدال آماده کند. تروریسم خارجی بهانه ای برای تقویت تروریسم داخلی شده است. در پرتو این دسیسه دانسته و یا از خدا خواسته، اولاند، نماینده امپریالیسم فرانسه به دنیا مانند آقای "جرج بوش" در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ اعلان جنگ داده است و منظور وی از این اعلان جنگ باز بودن دستش در تجاوز مستقیم به سوریه است تا در پای میز مذاکرات برای تعیین سرنوشت سوریه با دست پرتر بتواند ادعای سهم بیشتری کند. امپریالیستهای غرب به یاری ترکیه قصد دارند چهره واقعی خویش را به عنوان "اپوزیسیون سوریه" نشان دهند و با "آزاد سازی" شمال سوریه در هم مرزی با ترکیه بخش "سوریه آزاد" خلق کنند که یک پای مذاکره با حکومت قانونی سوریه است. آقای اولاند می خواهد در این تعزیه عمومی که با تقلید از "جرج بوش" و "چنتی" و "ارامفلد" و "تونی بلر" به راه انداخته، پشتیبانی سایر امپریالیستها برای رهبری خود در امر سوریه را به دست آورد و آنها را تحت فشار روانی و افکار عمومی قرار دهد. امپریالیسم فرانسه، سوریه و لبنان را منطقه نفوذ خود می داند و حاضر نیست به راحتی از آن دست بشوید. دولت ترکیه در این امر در کنار فرانسه قرار دارد و می خواهد دسته گلی را که خود به آب داده است و منجر به پیدایش میلیونها پناهنده در منطقه شده است به گردن بشار اسد گذارده نقشه تجزیه سوریه را برای منافع عثمانی بزرگ به انجام برساند. ترکیه هرگز با آرامش در عراق و سوریه که آنرا محور راهبردی ارتباطی ایران به دریای مدیترانه می داند و ترکیه را از منافع عظیم عبور به شرق آسیا محروم می کند دست بردارد. عربستان سعودی که فکر می کرد با پول و اعمال نفوذ از دسیسه هایش در سوریه سربلند بیرون می آید و با این درک کوتاه بینانه در منطقه عمل می کرد و می کند با بحران جدیدی روبرو شده است و ناچار است داعش را که همان نماینده و هابیسف فکری عربستان سعودی است محکوم کند و آنرا مغایر اسلام اعلام نماید. این امر به تضادهای درونی عربستان سعودی دامن می زند. حال آنها باید هم با القاعده برزمنند و هم با داعش. وضعیت خطرناکی که داعش در جهان در اثر سیاستهای توسعه طلبانه و ضد

آنکس که باد میکاره ...

پرداخت کلان یارانه به کشاورزان پنبه در آمریکا و اروپا عملاً قدرت رقابت از کشاورزان پنبه آفریقا سلب شده است. همین امر در مورد محصولات غذایی نیز به چشم می خورد. سازمان توسعه Oxfam می نویسد:

"برای نمونه قیمت شیرخشک وارداتی از اروپا به کشورهای آفریقایی؛ حتی ارزان تر از شیر تازه در این قاره می باشد. زیرا آبر شرکتهایی نظیر شرکت آبنی... ادامه در صفحه ۳"

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، به دست مردم ایران

آنکس که باد میکارد ...

"کامپینا" (Compina) یارانه می گیرند و در نتیجه محصولات دام داران افریقایی با محصولات اروپا و امریکا قابل رقابت نمی باشد. سرمایه داران نئولیبرال که دخالت دولت در امر تولید را مورد نكوهش قرار می دهند در این عرصه استعماری از دول خودی می خواهند به کشاورزان برای تقویت توان رقابت یارانه عطا فرمایند. دولت خوب است اگر در خدمت منافع امپریالیسم باشد و دولت بد است اگر بخواد جلوی منافع استعماری را بگیرد و به تولید ملی توجه کند.

از این رو امریکا و اتحادیه اروپا با انتقاد روز افزون کشورهای در حال توسعه روبرو بوده و هستند. آنها خواهان قطع فوری پرداخت یارانه به شرکت های کشاورزی می باشند. در عین حال بسیاری از کارشناسان بین المللی معتقدند که موانع تجاری در کشورهای غنی باید لغو شود. حذف موانع در کشورهای در حال توسعه (عقب نگاه داشته شده) از یک طرف و پرداخت یارانه کشورهای امپریالیستی به بخش کشاورزی خود از جانب دیگر؛ نتیجه ای جز نابودی کشاورزی و نیز رشد سرسام آور بیکاری در این کشورها به بار نمی آورد. لذا این کشورها بدرستی بر این نظرند که سه سازمان: تجارت جهانی، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول ابزاری جهت اعمال سیاست های نئولیبرالی و نواستعماری سرمایه کلان مالی جهانی به شمار می آیند.

در اینجا بد نیست بصورت جنبی به این نکته اشاره کنیم که بر سر در بانک جهانی در اشنگتن این شعار ریاکارانه نقش بسته است که:

"آرزوی ما جهانی فارغ از فقر است!!" این شعار رد گم کن با نیت کتمان واقعیت حک شده است؛ واقعیت آن است که عملکرد این بانک خلاف آن را به ما می نمایاند:

این بانک سالانه ۹ میلیارد دلار (۱/۴ کل وامهای پرداختی) به موسسه اعتباری "ای اف سی" (International Feinance Corporation) می پردازد. این مؤسسه اعتباری نیز با به بانکها وام می دهد، یا سهام مؤسسات و شرکت را می خرد. برای نمونه "ای اف سی" در سال ۲۰۰۸ مبلغ ۱۰۰ میلیون دلار در صندوق مالی (Indian Infrastrucktur Fond) سرمایه گذاری کرد. این صندوق نیز ۵۰۰ هکتار زمین روستائیان را به تمن بخش و به زور تصاحب کرد. پاسخ اعتراض روستائیان را نیز پلیس با گلوله داد. به این ترتیب ۱۳۰۰ خانوار، قریب به ۵۰۰۰ نفر زندگی خود را از دست دادند.

یک شرکت ویتنامی بنام "اگسون کاپیتال" از سال ۲۰۰۷ تا کنون ۲۷ میلیارد دلار اعتبار از بانک جهانی گرفته است. این شرکت در کشورهای لائوس و کامبوج ۵۰,۰۰۰ هکتار زمین زراعی را که روستائیان به صورت سنتی روی آن کار می کردند، تصاحب کرد و روی آن نیشکر و نخل روغنی کشت می کند. نتیجه آنکه تنها در کامبوج ۱۸ روستا با ۱۵۰,۰۰۰ جمعیت با فقر

دست و پنجه نرم می کنند و ... طبق آمار و ارقام موجود در اثر فعالیت های اینجینی بانک جهانی تا کنون ۳,۵ میلیون روستائی در جهان از زمین و در نتیجه از هستی خود ساقط شده اند. می بینیم که بانک جهانی چگونه شعار فریبکارانه سر در خود را عملی می سازد!!؟

حال بپردازیم به عملکرد سازمان تجارت جهانی: "گرچه تصمیمات کلی سازمان تجارت جهانی بر اساس و قاعده کلی "اتفاق آراء" بنا نهاده شده است، ولی رهبری این سازمان و نیز بانک جهانی و صندوق بین المللی پول عملا در دست کشورهای قدرتمند صنعتی امریکا و اروپا قرار دارد. بدون توافق آنها تصمیمی اتخاذ نمی شود به قسمی که روش خصمانه آنها این سازمان را شدیداً تحت فشار قرار داده است." (زود دوپچه تسایتونگ ۱۹ مه ۲۰۱۰).

از این رو در سازمان تجارت جهانی سالهاست که دو مسئله قطع یارانه و رفع موانع تجاری مورد مشاجره می باشد. زیرا امریکا و اتحادیه اروپا، علیرغم تعیین تکلیف برای سایر کشورهای عضو این سازمان؛ خود بیشترین رقم را به کشاورزان یارانه می دهند. و در عین حال با تعیین تعرفه های گمرکی جلوی ورود کالاها ی کشاورزی را می گیرند. عده ای هم هستند که چشم بر این واقعیت غارتگرانه ی سیاست امپریالیستی می بندند و این ریاکاری را "حقانیت نظام مرفه" سرمایه داری تبلیغ می کنند. ما در زیر می کوشیم که به نمونه های متعدد این سیاست ضد بشری امپریالیسم اشاره کنیم.

روزنامه تسایت (Zeit) به تاریخ ۸ مه ۲۰۱۴ می نویسد: "صندوق اتحایه اروپا سالانه مجموعاً ۵۸ میلیارد یورو به کشاورزان یارانه پرداخت می کند" و سپس می افزاید: "بر این رقم باید یارانه های میلیاردی تک تک کشورهای عضو اتحادیه اروپا به کشاورزان خود را نیز افزود". "سازمان آلمانی کمک به گرسنگی در جهان" (Deutsche Welthungerhilfe) می نویسد: "کشورهای صنعتی جهان رویهمرفته سالانه ۳۵۰ میلیارد دلار به کشاورزان خود یارانه می پردازند. تنها کشاورزان آلمان در سال ۲۰۰۰ میلادی، ۶,۲ یورو (شش میلیارد و دویست هزار یورو) یارانه دریافت داشته اند".

لازم به ذکر است که ۸۰ درصد از ۵۸ میلیارد یورویی که صندوق اروپا به صورت یارانه به کشاورزان می پردازد، تنها به کیسه ۳۰ درصد از شرکت های کشاورزی بزرگ سرازیر می شود. این شرکت ها از یک طرف شدیداً مکانیزه هستند و در نتیجه تعداد کمی کارگر کشاورز را به کار می گمارند و از جانب دیگر با بکار بست حجم زیاد کود شیمیائی محصولات با کیفیت پائین تولید می کنند.

طبیعی است که کشورهای صنعتی که با پرداخت یارانه؛ تولید کلان دارند و در عین حال با وضع تعرفه گمرکی جلوی ورود این نوع کالاها را از کشورهای در حال توسعه می گیرند، و قیحانه خواستار برداشتن موانع و تعرفه های گمرکی در سایر کشورها باشند. تا از این طریق بازار

صادرات غذا را در دست خود نگهدارند. به همین دلیل کشورهای صنعتی اروپا در حال حاضر با پرداختن یارانه وسیع بزرگترین صادر کننده غله، گوشت و مواد لبنی در جهان به شمار می آیند و در تعیین قیمت محصولات فوق تاثیر به سزایی دارند.

همانگونه که در بالا اشاره رفت، بخش عمده یارانه ها چه در اروپا و چه در امریکا به شرکت های چند ملیتی تعلق می گیرد که محصولات با سطح کیفیت و سلامت پائین تولید می کنند و به علت حجم زیاد تولید در تعیین قیمت محصولات تاثیر عمده ای دارند. بنابراین کشاورزان خرده پا- چه در کشورهای پیشرفته و چه در حال توسعه- نه تنها از پیوستن کشورشان به بازار جهانی سودی نخواهند برد، بلکه زیان هم می بینند. سود اصلی به کیسه شرکت های چند ملیتی سرازیر می شود. نقشه اخیر امپریالیسم برای ایجاد منطقه آزاد تجاری در اروپا (TTIP) را باید در این رابطه توضیح داد. مؤسسه کشاورزی و تغذیه فدرال در بن اعلام کرده است که کنسرن "باوا" (Baywa Konzern) در سال ۲۰۱۰ میلادی، ۱۳,۴ میلیون یورو از اتحادیه اروپا یارانه دریافت کرده است. این رقم معادل ۱,۵ برابر سود خالص این شرکت می باشد. فروش این کنسرن در سال ۲۰۱۰ میلادی معادل ۷,۹ میلیارد یورو بوده که ۶۶,۸ میلیون آن سود خالص می باشد. هنوز ۲۲ درصد از درآمد کشورهای OECD از طریق یارانه تأمین می شود. برای مثال در این کشورها در سال ۲۰۰۹ میلادی، ۱۸۰ میلیارد یورو یارانه پرداخت شده است. از این رو کشاورزان افریقایی و یا آسیایی به دلیل بالا بودن مخارج تولید که از عدم دریافت یارانه ناشی می شود، امکان رقابت با محصولات ارزان اروپا، به دلیل دریافت یارانه های کلان، را نداشته و به ناچار دست از حرفه کشاورزی می شویند. طبیعی است که با واردات حجیم محصولات غذایی، کشاورزی و دامداری در این کشورها رو به نابودی هستند. به این نکته نیز باید اشاره کنیم که کشورهای اروپایی علاوه بر این صید کلان ماهی در سواحل کشورهای آفریقا ماهیگیران این منطقه را نیز بطور کلی از هستی ساقط ساخته و فقر را گسترش بازم بیشتر کرده اند. در نتیجه به عمق دره فقر و ثروت میان کشورهای غنی و فقیر روز به روز افزوده می گردد. کشاورزانی که به ناچار حرفه کشاورزی را رها ساخته اند یا به کار روز مزدی-با مزد ناچیز- روی می آورند و یا به علت بی کاری با فقر و گرسنگی دست و پنجه نرم می کنند. طبیعی است که این روستائیان به امید رهایی از گرسنگی و مرگ به آوارگی روی آوردند و خطر بیماری و حتی مرگ را به جان بخرند و خود را به معنی واقعی کلمه به آب و آتش زنند و به کشورهای غنی هجوم آورند. یکی از فعالان سیاسی افریقایی می گفت ما به همان جاهائی می رویم که غذاهای ما را به آنجا برده اند. ما از غذای خودمان تناول می کنیم. علاوه بر ۶ میلیون آواره ای ... ادامه در صفحه ۴

امپریالیسم آمریکاتروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

آنکس که باد می‌کارد ...

که به کشورهای ایران، عراق، اردن، لبنان و ترکیه پناه آورده و در سخت تری شرایط زندگی می‌کنند، تنها در سال ۲۰۱۴ میلادی ۶۲۵۰۰۰ و در سال ۲۰۱۵ میلادی قریب به یک میلیون به اروپا پناه جسته‌اند. از سال ۲۰۰۰ میلادی حدود ۲۹۰۰۰ نفر در دریای مدیترانه جان خود را از دست داده‌اند. فقط در نیمه اول سال جاری ۲۵۰۰ نفر در دریاجان باخته‌اند. البته هر چند سال یکبار بحث شدیدی به علت عدم رعایت شرایط سازمان تجارت جهانی از جانب کشورهای غنی در این سازمان در می‌گیرد، که ثمره چندانی به بار نمی‌آورد. جراید غربی در بهار سال ۲۰۱۰ اعلام کردند که مشکل یارانه در سازمان تجارت جهانی حل شده و این اختلاف نظر کنار گذاشته شده است. "کشورهای صنعتی در جلسه سازمان تجارت جهانی که در ژنو تشکیل شد، قول دادند که پرداخت یارانه به کشاورزان خود را قطع کنند. به نقل از "زود

دویچه سایتونگ بتاریخ "(۱۹امه مه ۲۰۱۰ Süddeutsche Zeitung). اما واقعیت اینست که این تصمیم هرگز عملی نشد، مثلاً آمریکا و اروپا جمعاً ۳۰۰ میلیارد دلار به کشاورزان، از غله گرفته تا پنبه، یارانه می‌دهند. تنها آلمان تصمیم گرفته است که از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰ میلادی سالانه ۱۱۲ میلیارد یورو به کشاورزان یارانه بپردازد. نقل از ترانس پارنسی (مؤسسه شفاف سازی). اعطای یارانه به مؤسسات عظیم کشاورزی پنبه؛ مثال بارزی در این زمینه است. بعضی از کشورهای فقیر در آفریقای غربی به صورت سنتی صادر کننده پنبه بودند. کشاورزان پنبه‌ی این کشورها؛ تنها بین سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۲ میلادی، ۳۰۰ میلیون دلار زیان دیده‌اند. امپریالیستها با سازوکار دلار و یورو، با ابزار استعماری بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی و یا اخیراً مناطق آزاد تجاری روز به روز بیشتر دسترنج مردم جهان را دزدیده و تکه‌هایی از آنها را پیش مردم کشور خودشان پخش کرده تا ناراضی ناشی از شکاف طبقاتی را کاهش دهند؛ ولی هر روز شکاف میان فقر و ثروت میان کشورهای تحت سلطه و امپریالیستها و در درون خود این کشورها میان طبقات زحمتکش و اغنیا بیشتر می‌شود. سرمایه داری امپریالیستی با سیاستهای غارتگرانه نئولیبرالی خویش قادر نیست بر این مشکل غلبه کند.

هجوم پناهنده به ممالک امپریالیستی از استرالیا گرفته تا اروپا و آمریکا محصول نظام غارتگر سرمایه داری است. آدمخواری و بی وجدانی و استنار و دروغگوئی و ریاکاری در بطن ماهیت امپریالیستها وجود دارد. آنها این سیاست را تا کنون اعمال می‌کردند و مطبوعات آنها بر رویشان با یاری اندیشمندان تئوریک آنها سرپوشهای نژادی و توجیه گرانه می‌گذارند. ولی اکنون هجوم میلیونی پناهنده به جایی رسیده است که سرپوش گذاری بر آن ممکن نیست. حال

باید کشتار میلیونی آنها را در آینده نزدیک کتمان کنند. همه این تبهکاری ها از ماهیت سرمایه داری بر می خیزد زیرا مالکیت خصوصی بر وسایل تولید را مقدس می دارد و آرمانگرایی خصوصی و به فکر خویش بودن و فرد گرایی را به جای انساندوستی و همنوع دوستی و توجه به مردم و جماعت را تبلیغ می کند. جوامع به سوی انفجار پیش می روند و تنها احزاب کمونیستی واقعی، احزاب انقلابی و ضد رویزیونیستی هستند که می توانند مبارزه توده ها را رهبری کرده و از میان این راه های پر سنگلاخ و تیرهای زهرآگین دشمنان بی رحم طبقاتی به سر منزل مقصود و به سوسیالیسم برسانند. حزب کار ایران(توفان) در ایران این وظیفه تاریخی را به عهده گرفته است. حزب ما مجدداً در مورد علل پناهندگی و سیاستهای امپریالیستی در این زمینه سخن خواهد گفت.

مارکسیست کهنه نیست...

می زنیم، طبیعی است که بر آن نیستیم همه طرفداران آن "ایسم" آن جریان و یا حزب آگاهانه مرتد هستند.

از سوی دیگر اگر چه تکیه ما در وهله اول، اساساً با ایده‌ها و نظریات و یا تئوری هاست، باز این بدان معنی نیست که افراد و "ایست"ها را نادیده بگیریم و نقشی برای آنان در پیشبرد آن نظریات و تئوری ها قائل نگردیم. در این جاست که ما ناچاریم گه گاهی بر افراد منحرف، بر مرددان و آنان که نقش حساس در ارتداد و انحراف دارند تکیه کرده و آنان را نیز با صراحت مورد حمله قرار دهیم. شاید این توضیح مختصر توانسته باشد آن بخش از خوانندگان عزیز نشریات توفان را که گه گاهی به لحن تند ما ایراد می‌گیرند قانع کرده باشد.

حال بر گردیم به اصل میحث.

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی پس از انقلاب اکتبر و بر اساس تعالیم مارکسیسم لنینیسم و بویژه سیاستهای داهیهانه لنین و ادامه دهنده راهش رفیق استالین شکل یافت و رشد پیدا نمود. این جمهوری نه تنها برای همه زحمتکشان جهان، بلکه برای بخش عظیم از روشنفکران، هنرمندان و توده های جهان؛ نمونه پیدایش جهانی نوین و مورد پشتیبانی آنان بود. بدون رهبری حزب کمونیست و مبارزه با تمام جریانات انحرافی. آن زمان از جمله تروتسکیسم، منشویسم راست و چپ و اپورتونیستهای دیگر نه از سوسیالیسم خبری می بود و نه از موفقیتهای عظیم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شوروی. کودتای خروشچف به مثابه پیروزی مبارزه طبقاتی در شوروی به سود بورژوازی و بروکراتهای حزب در دولت؛ به این مرحله از تکامل سوسیالیسم در شوروی پایان بخشید و شوروی به دام حاکمیت بورژوازی، به راه سرمایه داری و امپریالیسم گام نهاد. بزرگترین اختلاف موجود بین مارکسیست لنینیستها و مرددان "چپ"های ایران که دارای

احزاب و سازمانهای بی شماری نیز می باشند در ارزیابی تغییر و تحول و ماهیت جمهوری شوراهاست. استدلال اساسی اکثر آنان در این امر خلاصه می شود که به قدرت رسیدن خروشچف را نه پایان یک مرحله، بلکه ادامه محتوم سیاست استالین و حتی لنین می دانند. تکیه آنان نیز عمدتاً بر این تئوری مبتدل و ضد دیالکتیک است که خروشچف نمی توانسته به یک بار ظاهر شده و قدرت را بدست آورد، بلکه منطقاً می بایستی از قبل نیز جریان در شوروی "خراب" بوده باشد. در این امر که ظهور خروشچف تصادفی نبوده، ریشه خود را در قبل و در درون مبارزه طبقاتی درونی شوروی داشته است تردیدی نیست و ما نیز بارها و حتی از همان آغاز بروز رویزیونیسم در جنبش کارگری بارها بدان اشاره کرده ایم. اشتباه این منحرفان که بعضاً نیز ناآگاهانه است؛ ولی به هر تقدیر دنبال وسوسه های بورژوازی روانه اند، در این نکته نهفته است که آنان تغییر و تکامل را نمی بیند. برای آنان آنچه اکنون در برابر ماست و وجود دارد؛ همیشه همین طور بوده و به همین سان وجود داشته است. برای "چپ"های ناآگاه ولی گمراه که دچار تفکر متافیزیکی و منجمدند، غیر قابل تصور است که بروکرات هائی از قبیل خروشچف نیز همانند هر پدیده جهان مادی در حال تغییر و رشداند و اگر زمانی اندک و کم تاثیر بودن و یا اساساً منحرفینی این چنان نبوده اند،- و این درست به علت وجود سیاست مبارزه طبقاتی استالین و سرکوب بورژوازی و این گروه بوده است- می توانند در شرایط نامساعد دیگری(مثلاً پس از درگذشت رفیق استالین) همانند میکروب در بدن انسان، در جامعه سوسیالیستی شوروی نیز امکان رشد بیابند؛ رشد کنند؛ و مبارزه طبقاتی، دیکتاتوری پرولتاریا و دولت سوسیالیستی را مورد سؤال قرار دهند. کما آنکه چنین نیز شد.

به هر تقدیر تغییر ماهیت سوسیالیستی شوروی بدون تردید پایان دوران درخشان سوسیالیستی در شوروی بود. پایان یک پدیده مشخص که با انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ آغاز گشت و با تسخیر قدرت دولت سوسیالیستی از سوی خروشچف و دارو دسته مرتد و خائنش در طی اواخر سالهای ۵۰ به مرور پایان یافت. آیا روشن نیست که ما در این جا نه با پایان مارکسیسم و یا سوسیالیسم بطور کلی، بلکه با اختتام یک تجربه مبارزه طبقاتی و یک دوره از مارکسیسم در یک کشور مشخص روبرو هستیم؟ در این جا آنچه نابود شده و سپری گشته است مارکسیسم نیست؛ سوسیالیسم نیست، بلکه کشور سوسیالیستی تحت رهبری حزبی کمونیستی است که متأسفانه پس از قریب ۴۰ سال موفقیت و با تاریخی درخشان با **تغییر ماهیت حزب و دولت شکست خورد.** شکست یک آزمایش در هر زمینه اجتماعی و یا سیاسی در هر فعالیت انسانی، تنها به مفهوم شکست آن آزمایش مشخص است و نه کل تئوری و نظرات و فرضیات علمی که در پشت آن آزمایش نهفته است. از شکستها باید آموخت و مایه ای برای پیروزی و مصادف بعد...**ادامه در صفحه ۵**

انقلاب کبیر اکتبر ناقوس مرگ دنیای سرمایه داری و تولد دنیای نوین بود

مارکسیست کهنه نیست ...

به دست آورد. چگونه و با چه توجیهی می توان علت یک تجربه، یک مصاف، یک "خاص" را به جای شکست همه آموخته ها، همه مصاف ها و شکست عام، شکست "ایسم" به خورد مردم داد. همه آنان که به دنبال چیزی "نو" به جای مارکسیسم اند و یا توصیه آن را به مردم می کنند، خود در زندگی واقعی خویش محتملا تجربه ای سوای آن دستور العمل خویش داشته اند. تجربه آنکه، برای دستیابی به هدف باید شکیبائی داشت، تداوم به خرج داد و به سوی خواسته خویش مجدانه روان شد و نه آن که هدفی نو برگزید و به راهی دیگر روان گشت.

هر آن کس که به سوسیالیسم و مارکسیسم اعتقاد داشته و بر آموزه های آن تکیه می کند، می داند که مارکسیسم به مثابه یک علم جهانشمول که شامل طبیعت، جامعه و تاریخ است و بیانگر قوانین تکاملی عینی و ضروری جهان می باشد، همانند هر علم دیگر جوشان و زنده است. مقوله "نو" تنها در چارچوب خود این علم است که معنای نو، یعنی انطباق تئوری ها با شرایط نوین، بدور انداختن تئوری ها و اصول کهنه و جانشینی آنها با تئوری های پیشرفته و نو و در یک کلام تکامل از کهنه به نو معنی پیدا می کند. برخی ها از "نوآوری" در مارکسیسم، تغییر آن و چیزی دیگر را نیت می کنند.

برخی از مدافعان نوآوری در مارکسیسم ما را به دکماتیسم و عدم انعطاف متهم می سازند. و چنانچه از آنان بپرسیم چرا و در کجا این عوارض را در ما سراغ گرفته اید و یا به کلی باقی همیشگی روی می آورند و یا ما را متهم می کنند که هنوز به اصول و تئوریهای اساسی مارکسیسم لنینیسم و سوسیالیسم (از آن جمله دیکتاتوری پرولتاریا و نقش حزب و دولت سوسیالیستی و غیره) محکم چسبیده ایم و حاضر نیستیم در این اصول نوآوری کرده و تجدید نظر نماییم. به نظر این عده که در میان آنان محتملا کمونیستهای وفاداری نیز یافت می شوند؛ مشکل اساسی تفرقه و پراکندگی جنبش کمونیستی نه خیانت خروشچف و انحراف شوروی و جنبش کمونیستی جهانی از راه کمونیستی و زنده گشتن همه منحرفان و مرتدان کهنه شناخته شده جنبش و سر بر آوردن آنان تحت لوای "نو" می باشد، بلکه در آن نهفته است که گویا این جنبش کهنه و پوسیده شده و نفس اش بند آمده است. وظیفه کمونیستها گشودن راه نفس برای جنبش کمونیستی است و این راه نه تکیه بر مارکسیسم، بلکه کوشش در "نوآوری" و یافتن "هوای تازه" می باشد. بالاخره ما حق داریم از این معترضان و "خواهوان" جنبش کمونیستی بپرسیم بالاخره پس از سالها و ده ها سال کوشش شما؛ چه هوای تازه ای به ارمان آورده اید و در کجا؛ نوآوری پدید آمده است؟

مارکسیسم لنینیسم تنها آلترناتیو نو در جهان کنونی است. مارکس و انگلس قریب ۱۷۰ سال پیش گردشی نوین و انقلابی در فلسفه، اقتصاد، سیاست و مبارزات اجتماعی را آغازیدند. ادامه

دهندگان این راه یعنی لنین، استالین و سپس مائو در رهبری حزب کمونیست چین همگی نوآورانی مارکسیست بودند. نمی توان مارکسیسم را به مثابه علم اجتماعی چراغ راهنمای خویش قرار داد و برای یافتن "نو" و راه های تازه این علم را به دور انداخت و به دنبال ابتذالات فلسفی و تئوریک بورژوازی روان گشت. مبارزه طبقاتی برای رهایی طبقه کارگر و زحمتکشان و کلیه بشریت از مصائب سرمایه داری و امپریالیسم تنها می تواند در چارچوب مارکسیسم لنینیسم صورت پذیرد و درست همین علم مارکسیسم است که نوآور است و سوای آن، هر "نوئی" کهنه پاره های عوامفریبانه سرمایه داری و بورژوازی اند و نه بیش.

بیانیه تحلیلی حزب کار...

عید فطر تصریح کرد که "جمهوری اسلامی هرگز تسلیم زیادخواهی دشمن نخواهد شد." و منظورش از زیاده خواهی همان پیشنهاداتی بود که آمریکا در کنفرانس لوزان طرح کرده بود و مورد قبول ایران قرار نگرفت. وی مشخصا ابراز داشت: "چه این متن تصویب بشود و چه نشود، ما از حمایت دوستانمان در منطقه دست نخواهیم کشید: از ملت مظلوم فلسطین، از ملت مظلوم یمن، از ملت و دولت سوریه، از ملت و دولت عراق، از مردم مظلوم بحرین، از مجاهدان صادق مقاومت در لبنان و فلسطین؛ همواره مورد حمایت ما خواهند بود."

امپریالیسم آمریکا قصد داشت با دسیسه چینی در منطقه، تقویت و تسلیح عربستان سعودی و امارات متحده عربی، علم کردن داعش، تجاوز به سوریه و یمن و قتل عام مردم فلسطین در نوار غزه توسط صهیونیسم و عملیات مشابه، ایران را به زانو در آورد و به مصالحه در عرصه سیاست خارجی بکشاند. در کنفرانس لوزان نیز این خواسته ها را به ایران تحمیل کرد و می خواست تأیید و یا رد توافقنامه لوزانچای را منوط به تسلیم بلاشرط ایران کند. این خواست قلدرمنشانه امپریالیسم آمریکا نه مورد حمایت روسیه و چین بود و نه اروپائی ها که آرزوی برداشتن تحریمها را داشتند با آن موافق بودند؛ آنها می خواستند با برقراری روابط گسترده تجاری با ایران ثروتمند بر بحرانهای داخلی خود که از جمله ناشی از دخالت در امور داخلی اوکراین و یا تضعیف یونان بود، غلبه کنند. اروپائی ها با ادامه این وضعیت آنها در شرایطی که ایران در زمینه هسته ای تسلیم شده بود، موافق نبودند. از این گذشته سیاست آمریکا برای سرنگونی رژیم بشار اسد با شکست فاحش روبرو شده بود که بحران آن دامن عربستان سعودی و ترکیه و اردن و تونس و لیبی و مصر و بسیاری ممالک عربی منطقه را گرفته بود و هنوز هم ادامه دارد و عواقب آن بر کسی معلوم نیست. کسانی که با تروریسم مماشات می کردند، خود به دام تروریسم افتادند. تروریستهای اعزامی به سوریه حالا به انگلستان، فرانسه و آلمان باز می گشتند و

آماده عملیات تروریستی بودند. ادامه این وضعیت، خطرات فراوانی در منطقه فراهم می آورد و امری که در آغاز خویش به ضرر ایران و کاهش نفوذ آن در منطقه بود در تداوم خود به قدرت ایران به عنوان عامل تثبیت منطقه بدل شد. این ایران نبود که سقوط می کرد، این عربستان سعودی بود که به ریشه مرگ چه در درون و چه در برون دچار شده است و این امر سایر ممالک عربی را از وی دور می کرد. امارات متحده عربی، قطر و عمان بتدریج راه همکاری و توجه به ایران را در پیش گرفتند و این ضربه بزرگی به آمریکا و عربستان سعودی در منطقه بود. خامنه ای با توجه به این امر در نطق خویش در باره قرارداد لوزان به صراحت بیان کرد که ایران اجازه بازرسی از تاسیسات نظامی خود را نمی دهد و حاضر نیست بجز برنامه هسته ای در مورد مسائل دیگر با آمریکا به مذاکره و توافق برسد و منظورش به طور روشن مسئله خاورمیانه بود. وی بیان کرد: "همان طور که بارها تکرار کردیم، ما با آمریکا در مورد مسائل گوناگون جهانی و منطقه ای مذاکره ای نداریم؛ در مورد مسائل دوجانبه مذاکره ای نداریم؛ گاهی در موارد استثنائی مثل این مورد هسته ای، براساس مصلحت، مذاکره کرده ایم."

استکفاف ایران از پذیرش خواست آمریکا با فشار روسیه و چین و سایر ممالک اروپائی بویژه آلمان نیز همراه بود. بازگشت تروریستها به کشورهای اروپائی، هجوم سیل پناهندگان ناشی از بحرانهای خاور میانه به اروپا وضعیت بحرانی در منطقه را به اروپا منتقل می کرد و می کند. روسیه به صراحت بیان کرد که مسائل خاورمیانه باید با شرکت فعال روسیه حل و فصل شود. وزیر خارجه روسیه اظهار داشت همانگونه که در اثر همکاری روسیه و آمریکا بحران هسته ای در ایران به رضایت طرفین حل شد، همین روش نیز باید در مورد سوریه در نظر گرفته شود. تمام تلاشهای آمریکا بدون حضور فعال روسیه و ایران تا مسایل منطقه را به نفع اسرائیل حل کند با شکست روشن و فاحش روبرو شد. متحدان آمریکا یک بیک از پای در آمدند و اسرائیل نیز از اینکه آمریکا نتوانسته از فشار ایران و نفوذ ایران در منطقه بکاهد بشدت خشمگین شد و در کار تصویب توافقنامه وین در کنگره آمریکا اخلاص می کند. خشم عربستان سعودی و اسرائیل را تنها از این طریق می توان توضیح داد. باراک اوباما رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا در توجیه شکست سیاست خود در قبولاندن حفظ امنیت اسرائیل به ایران فوراً این استدلال را ساخت که: "ایا این پیمان تمامی تهدیدات ایران بر علیه همسایگانش در جهان را برطرف می کند؟ خیر. آیا بیش از هر چیز تضمین می کند که ایران به سلاح هسته ای نرسد؟ آری. مهمترین هدف ما هم از ابتدا همین بوده است." ولی روشن است که مهمترین هدف بدوی آمریکا این نبود که اظهار می دارد. این نتیجه ای بود که در مذاکرات طولانی وین بدست آمد. آمریکا با توجه به وضعیت ... ادامه در صفحه ۶

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق و افغانستان را بی قید و شرط ترک کنند. صهیونیسم دشمن بشریت و قاتل ملت فلسطین است

خویش را به شیوخ عرب به فروش برسانند و در عین حال تبلیغ می کنند که با آزاد شدن میلیاردها دلار ثروت ایران در آمریکا این کشور حتما به تقویت بنیه نظامی خویش دست زده و این برای ممالک عربی و اسرائیل خوشایند نیست. بورس اسلحه در بازارهای بورس جهان به یک باره بعد از توافقات وین سرسام آور افزایش یافته است.

نظام مالی جهانی ...

وضعیت مقاومت اقتصادی در آمریکای جنوبی

در مقابل طرح آمریکایی (ALCA) Area de Libre Comercio de las Americas) «منطقه تجارت آزاد کل آمریکا» (AATF) (Free Trade Area of the Americas) اتحادیه جدیدی از کشورهای آمریکای لاتین تحت نام «اتحادیه بلیواری خلقهای آمریکا» (ABLA) (که معنی اسپانیایی لغت آلبا شفق سرخ است) بوجود آمده است که در آن تاکنون ونزولنا، اکوادور، بولیوی، کوبا، نیکاراگوئه، آنتیگوا و باربودا، دومینیکا، گرانادا، سنکت کیس و نوز، سنکت لوسیا، سنکت وینسنت به عضویت در آمده اند. ایران نیز اعلام آمادگی کرده است که در این اتحادیه شرکت نماید. این اتحادیه برای تسویه حساب تجاری نیز واحد تهاتری به نام SUCRE انتخاب کرده است و در عین حال در نظر دارد در آینده واحد پولی جدید را جایگزین دلار کند.

هم اکنون ۹۰۰ میلیارد دلار در حساب های بانکی سرمایه داران کلان آمریکای لاتین پول خوابیده است که در چرخه تولید به کار نمی آیند. قرار است که «بانک توسعه جنوب» (Banca del Sud) در روابط اقتصادی آمریکای جنوبی تسهیلاتی به وجود آورد. سرمایه اولیه این بانک ۲۰ میلیارد دلار خواهد بود. اولین پروژه مشترکی که در برنامه گنجانده شده است، لوله کشی گاز از ونزولنا به سایر کشورهای آمریکای لاتین است.

هر اندازه که کشورهای بیشتری چنین معاهداتی را میان خود منعقد کنند، به همان نسبت از نیاز به دلار به عنوان ارز مبادلاتی و حتی ذخیره ارزی جهان کاسته خواهد شد. بدون شک زمانی فراخواهد رسید که دیگر دلار نقش خود را به

مثابه ذخیره ارزی مبادلاتی در سطح جهان به کلی از دست خواهد داد. و این بدون شک از قدرت سیاسی، مالی و نظامی آمریکا به طور فاحش خواهد کاست. امپریالیسم آمریکا قادر نخواهد بود همچون زلزال از بدنه اقتصاد جهانی تغذیه کند؛ دیگر نخواهد توانست بی رویه با دلار بی ارزش کالا وارد کند، می بایست ابتدا

در صورت صدور کالا به واردات کالا اقدام ورزد. (موازنه تجاری) امری که با توجه به موازنه منفی کنونی این کشور غیر ممکن به نظر می رسد. تاکنون آمریکا می توانست روی کاغذ سبز علامت دلار را ... ادامه در صفحه ۷

نظام مالی جهانی ...

توفان درتوییتر Toufanhezbkar حزب کار ایران (توفان) درفیس بوک

Toufan HezbeKar

facebook



Name:
Toufan HezbeKar
Email:
toufan@toufan.org
Status:
None

قانونی ثروتهای ایران در آمریکا با مشکل روبرو خواهد ساخت.

پیدایش وضعیت جدید آمریکا را بر آن داشته است تا در شرایط کنونی در سیاست منطقه ای خود تجدید نظر کند. آمریکا که تا دیروز روسیه را قدرت درجه دوم می نامید و به تمسخر می گرفت، بیگبانه از همکاری های روسیه با آمریکا برای حل مسئله اتمی ایران اظهار امتنان نموده و خواستار همکاری مشترک در حل مشکل سوریه با آنان شده است. این خواست جدید آمریکا نشانه شکست آنها در حل و فصل مناقشات خاورمیانه بدون دخالت روسیه و ایران است. به نظر می رسد که آمریکا از این به بعد باید حل مسایل خاورمیانه را نه یک تنه با تکیه بر عربستان سعودی و اسرائیل، بلکه در متن همکاری های منطقه ای میان روس و آمریکا در نظر بگیرد و در این راستا امکان نظارت و مهار سیاستهای ایران در خاور میانه را به کف آورد. آمریکا باید از سیاست سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی در آینده نزدیک چشم ببوشد و تاکتیکهای خویش را منطبق بر وضعیت توازن فعلی قوا تغییر دهد. سیاست مودنیانه و ریاکارانه تمایل به همکاری با رژیم جمهوری اسلامی در منطقه و بطور مشخص در عراق تحت عنوان "مبارزه مشترک" علیه تروریستهای داعش، توطئه امپریالیسم آمریکاست که می خواهد ارتش ایران را به یک

بیانیه تحلیلی حزب کار...

جدید و برای دلداری متحدان خویش و اسرائیل در منطقه و برای تقویت روحیه آنها، جان کری وزیر امور خارجه خود را به دیدار عادل جبير همتای سعودی وی در تاریخ ۱۶ ژوئیه ۲۰۱۵ اعزام کرد. وی به همتای سعودی خود گفت: "ما امیدواریم ایران از توافق به دست آمده برای ارتقای وضعیت اقتصادی کشور و وضعیت مردم ایران و نه برای ماجراجویی در منطقه بهره ببرد." متعاقب آن دیوید کامرون، نخست وزیر بریتانیا نیز در مصاحبه ای با شبکه خبری "العربیة" تصریح کرد که امضای توافق هسته ای با ایران به "معنای اتحاد با جمهوری اسلامی نیست".

باراک اوباما در نطق خویش با اشاره به ایران بیان کرده بود: "ما تاریخ دشواری بین خود داریم و تا زمانی که ایران به حمایت از تروریسم و عواملی که خاورمیانه را بی ثبات می کنند، ادامه دهد و دوستان و متحدان آمریکا نظیر اسرائیل را تهدید کند، نگرانی های ما درباره رفتار ایران به قوت خود باقی می ماند. بنابراین اشتباه نکنید. ما در مقابله با این اقدامات هوشیار باقی می مانیم و در کنار متحدان خود هستیم. پوشیده نیست که نخست وزیر اسرائیل و من درباره حرکت آمریکا به سمت جلو برای راه حل مسالمت آمیز در باره موضوع ایران توافق نداریم. اگر در حقیقت نخست وزیر نتانیاهو بدنبال موثرترین راه برای اطمینان از دست نیافتن ایران به سلاح هسته ای است، این بهترین گزینه است. من معتقدم کارشناسان هسته ای ما می توانند این مسئله را تایید کنند. مهمتر این که من امروز با نخست وزیر (اسرائیل) صحبت کردم تا بگویم حمایت ما از امنیت اسرائیل و نگرانی های ما درباره سیاست های بی ثبات کننده ایران و تهدید علیه اسرائیل روشن است".

وی گفت: "من به همین جهت به تیم امنیتی خود دستور دادم با دولت جدید اسرائیل در هفته ها و ماههای آینده درباره نحوه تقویت همکاری امنیتی ما با اسرائیل رایزنی کنیم و تعهد را سخ خود را به دفاع از اسرائیل نشان دهیم".

رئیس جمهور آمریکا گفت: "من امروز همچنین با پادشاه عربستان سعودی گفتگو کردم تا بار دیگر بر تعهد ما به امنیت شرکای ما در

خلیج (فارس) تاکید کنم و از رهبران شش کشورهای عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کویت، عمان، قطر و بحرین که شورای همکاری خلیج (فارس) را تشکیل می دهند، دعوت کردم تا این بهار نشستی درباره نحوه تقویت همکاری امنیتی و حل مناقشه های متعدد داشته باشیم که موجب مشقت بسیار و بی ثباتی در سراسر خاورمیانه شده است".

آمریکا و انگلستان به صراحت ایران را در جبهه کشورهای حامی تروریسم قرار می دهند و می دهند و مدعی هستند که در این عرصه در سیاست آنها تغییری رخ نخواهد داد. تحقق این ادعا طبیعتاً آمریکا را در لغو ممنوعیت غیر

از فیسبوک توفان انگلیسی دیدن کنید!

<https://www.facebook.com/pli.toufan?ref=ts&fref=ts>



جنگ فرسایشی خطرناک در عراق بکشاند. به دام این سیاست افتادن در خدمت منافع ملی میهن ما نیست. وضعیت جدید راه فروش تسلیحات ممالک اروپائی و آمریکا را به خلیج فارس گشوده است. آنها به ایران-هراسی دامن می زنند تا سلاحهای

حاکمیت روزیوینسیم، دیکتاتوری بورژوائی است و دیکتاتوری پروتاریا

چاپ کند و آن را به مثابه ورق پاره بی ارزشی در ازاء دریافت کالاهای صنعتی نظیر نفت و اتومبیل و ... به فروشندگان کشورهای دیگر بدهد. با از میان رفتن تدریجی نقش دلار، این کاغذ بی ارزش سبز دیگر نقش خود را به مثابه حکمران عرصه مالی جهان از دست خواهد داد و نقش دلار به مثابه پشتوانه ارزی همتر از طلا در سایر کشورهای جهان به گذشته تعلق خواهد گرفت. این که کدام ارز و یا نظام پولی در آینده جایگزین دلار خواهد شد، نمی توان به آسانی پیش بینی کرد. اما یک امر مسلم است که ارز هیچ کشور دیگری نمی تواند در شرایط کنونی به تنهایی جای دلار را به گیرد و بر نظام مالی جهان حکم براند. با داده های کنونی چهار گزینه محتمل به نظر می رسد:

- یکم این که چندین ارز نظیر یوان، روبل، دلار و یورو به صورت موازی عمل کنند که نتیجتاً به پایین کشیدن دلار از سریر قدرت خواهد انجامید که با مقاومت سرسختانه آمریکا روبرو می شود. - دوم ایجاد یک ارز مشترک میدالاتی که هیچ کشوری در آن حق وتو و انحصار نداشته باشد. که این به سادگی قابل تصور نیست. زیرا این گزینه به این بستگی دارد که چه کشورهایی ابتکار این کار را به دست خواهند گرفت، چگونه، از چه طریق و نهاد یا نهادهایی که می بایست مورد توافق همگان باشد، اداره شود. با توجه به رقابت های شدید امپریالیستی و وجود انحصارات مالی، صنعتی، نظامی... ایجاد چنین نظامی بعید به نظر می رسد و فقط جنبه آرزویی دارد.

- سوم استفاده گسترده کلیه کشورها از نظام (SWAP) ارزی. - چهارم اتحادیه های منطقه ای نظیر BRICS و ALBA. پیش بینی استقرار یکی از گزینه های فوق در نظام ارزی مبادلات تجاری جهان کاری است بس دشوار. ولی می توان به صراحت گفت که رقابت امپریالیست ها، مقاومت و مقابله کشورهای مستقل و در حال توسعه در مقابله با حکمرانی دلار، بی پشتوانه بودن خود دلار، بدهی های سرسام آور دولت آمریکا و ... موقعیت دلار و امپریالیسم آمریکا را روزبه روز ضعیف تر خواهد ساخت و در نتیجه نقش دلار در عرصه تجارت خارجی و ذخائر ارزی کم رنگ تر خواهد شد.

برتری دلار که منجر به غارت جهان است رقابت میان امپریالیستها را نیز تشدید می کند؛ زیرا آنها با داشتن ذخایر عظیم دلار که برای خرید نفت به آن نیاز دارند؛ همیشه مورد گزند احتمالی امپریالیسم آمریکا هستند. همه امپریالیستها با توجه به رقابت خویش با آمریکا و تضادشان با این امپریالیسم قدرقدرت؛ خواهان آنند که از نفوذ امپریالیسم آمریکا در عرصه اقتصادی در درجه اول کاسته شود؛ زیرا منافع همه آنها مستقیماً مورد تهدید است. این مخالفتها و اعتراضات از چشم امپریالیسم آمریکا پنهان نمی ماند و این است که می کوشد بر نفوذ سیاسی خویش، بر دخالت در امور داخلی کشورها و تعیین حکومتها بیفزاید. رژیمهای معترض را سرنگون کند و رژیمهایی بر سر کار آورد که بر مبنای دلار

تجارت کنند. تنها از طریق اعمال نفوذ سیاسی، کودتا، جنگ و اقداماتی از این قبیل است که آمریکا می کوشد مانع شود تا برتری دلار در این ممالک از بین برود. این است که در بررسی تحولات سیاسی جهان هرگز نباید این جنبه مسئله را نادیده گرفت. اینکه امپریالیسم آمریکا به عنوان امپریالیسم متوقف هر روز بیشتر در بحران فرو می رود و با مقاومت روبرو می شود، واقعیتی است و این روند بدون تردید به نفع مبارزات استقلال طلبانه، آزادیخواهانه و سوسیالیستی خلق های جهان است.

سیاسگزاری از کمکهای مالی

رفیقی از هامبورگ آلمان ۱۵۰ یورو کمک به خانواده زندانیان سیاسی ۲۰۰ یورو کمک به خانواده زندانیان سیاسی ۱۰۰ یورو کمک به خانواده زندانیان سیاسی ۱۵۰ یورو کمک به خانواده زندانیان سیاسی ۵۰ یورو رفیق رضا ۵۰ یورو رفیق ف. ۵۰ یورو

"طبقات در دوران دیکتاتوری پرولتاریا باقیمانده اند و باقی خواهند ماند. دیکتاتوری زمانی غیر لازم خواهد شد که طبقات از بین بروند. طبقات بدون دیکتاتوری پرولتاریا از بین نخواهند رفت"

مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۱۳ آذر ماه ۱۳۹۴ منتشر شد آنها در تارنمای توفان مطالعه نمایند

رفیق نیما کوهبنانی، یکی از امیدهای جنبش کمونیستی ایران از میان ما رفت، -- یادداشتی درمورد ریاکاری غرب در پیکار علیه آدمخواران داعش! -- خالد برکات عضو جبهه خلق برای آزادی فلسطین و مسئول کمپین بین المللی: -- مسئولیت جنایت فجیع پاریس با امپریالیستها، استعمارگران و نیروهای ارتجاعی است: -- تشدید سرکوب و ارباب به منظور پیشگیری از رشد مبارزات توده ای: -- اعتراض به سفر حسن روحانی به اروپا، -- اعتراض به سرکوب و خفقان و قراردادهای اسارتبار اقتصادی است، -- اطلاعیه: درحاشیه ترورهای بربرمنشانه درفرانسه، -- جنبش کارگری و سندیکایی ایران و خطر انحرافات "چپ" و راست از درون - قسمت دوم، -- سوسیال دمکراتها فرزندان کائوتسکی مرتد، کارگزاران امپریالیسم اند، -- فراخوان فوری چند شخصیت سرشناس آلمانی برای همبستگی و محکومیت، -- طرح دولت ترکیه درحملات نظامی به مناطق کردنشین!

گشت و گذاری در فیسبوک - پرسش و پاسخ

توفان الکترونیک شماره ۱۱۳ آذر ماه ۱۳۹۴ دسامبر ۲۰۱۵

www.toufan.org

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

toufan@toufan.org

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

سایت آرشیو نشریات توفان

<https://twitter.com/toufanhezbekar>

توفان در توئیتر

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

توفان در فیسبوک

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

وحدت، سرچشمه نیرو، و نیرو، ضامن پیروزیست

نظام مالی جهانی امپریالیستی غربی در حال فروپاشی (پایان)

در مقالات قبیل توضیح دادیم که مقاومتی در مقابل دلار شکل می گیرد. امپریالیستهای چین و روسیه در پی آنند که به برتری و تسلط دلار در جهان خاتمه دهند و یا حداقل آنرا تضعیف نمایند. آنها در پی جایگزینی روبل و یوان به جای دلار می باشند. برای تحقق این سیاست مالی تنها یک راه وجود دارد و آن اینکه یک ارزش مبادله مورد اعتماد جهانی بوجود آورد که کشورهای جهان حاضر باشند با این پول جهانی به مبادلات تجاری بپردازند.

روسیه و چین به عنوان دو قدرت امپریالیستی و قدرتمند اقتصادی از این توانائی های لازم برخوردارند تا به مقابله با دلار بپردازند و نظم مالی بعد از جنگ جهانی را برهم زنند. آنها با روش معاملات پایاپای و یا به رسمیت شناختن ارزهای کشورهای مورد معامله و تبادل کالا با آنها بر مبنای ارز همان کشورها، ارز دلار را از مبنای محاسبه در معاملات میان کشورها کنار زدند و آنرا در حاشیه قرار دادند. به عنوان مثال در سالهای اخیر بسیاری از کشورها با انعقاد قراردادهای دو جانبه نقش دلار را در تجارت خارجی خود کم رنگ تر کرده اند. مدتهاست که چین و روسیه اکثر معاملات خود را با روبل و یوان انجام می دهند. ترکیه نیز به روسیه پیشنهاد داده که از روبل و لیره به جای دلار استفاده شود. بر همین مبنای اتحادیه های مالی و حتی سیاسی دیگری در جهان در مقابل یک تازی امپریالیسم آمریکا در حال رشد است.

بریکس BRICS و مقاومت اقتصادی آن

پنج کشور بزرگ جهان، برزیل، روسیه، هند، چین و افریقای جنوبی که به «بریکس» مشهور شده اند از جمله این ممالک هستند که در مقابل زورگویی امپریالیسم آمریکا به مقاومت دست می زنند و نمی خواهند اقتصادشان تابع نوسانات قسما مصنوعی و استعمارگرانه دلار باشد، آنها در ژوئن ۲۰۱۴ در FORTALEZA واقع در برزیل یک بانک و یک صندوق ذخیره مشترک تأسیس کردند. آنها در مقابله با سلطه امپریالیسم غرب به سرکردگی آمریکا، «صندوق بین المللی پول» و «بانک جهانی»، پایه های (SWIFT) جدید را بنا نهادند که سرمایه اولیه بانک مشترک آنها "بانک توسعه جدید" (New Development Bank) ۱۰۰ میلیارد دلار است. امپریالیسم آمریکا از این تحولات به سختی نگران است و تلاش فراوان دارد با اعمال نفوذ سیاسی در این کشورها آنها را بی ثبات کرده و حکومتهای مورد نظر خود را در این ممالک بر سر کار آورد تا مجموعه بریکس را متزلزل نماید. حکومتهای حاکم در این کشورها که از منافع سرمایه داری خودی دفاع می کنند در عین حال از سرکوب مردم کشورشان به خاطر منافع سرمایه دارانه خویش دست بر نمی دارند و در تشدید استثمار طبقات زحمتکش خودی فعالند. همین غارت، فساد و سرکوب دستگاههای اداری که بیماری مزمن نظام سرمایه داری است زمینه های نارضائی میان مردم را فراهم می آورد، بطوریکه زمینه نفوذ و سوء استفاده از هر اعتراض عمومی و فریب مردم را؛ آن هم در شرایط فقدان یک حزب قدرتمند کمونیستی مورد اعتماد مردم؛ مهیا می سازد. در کنار این اعتراض و مقاومت کشورها؛ آشکال دیگری از مقاومت نیز وجود دارد که این جنگ گاه آشکار و گاه مخفیانه ی اقتصادی را به پیش می برد. یکی دیگر از آنها «اتحادیه بلیواری خلقهای آمریکا ما» (ALBA) است که در آمریکای جنوبی فعال می باشد. ... ادامه در صفحه ۶

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the Party
of Labour of Iran

No. 189 Dec. 2015

مستخرجی از:

بیانیه تحلیلی حزب کار
ایران (توفان) پیرامون توافقنامه
هسته ای در وین (۵)

عقب نشینی آمریکا از سیاست سنتی و

اتخاذ روش جدید

تا کنون امپریالیسم آمریکا این سیاست را تعقیب می کرد که رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون کرده و سرنوشت مسئله هسته ای ایران را با سرنوشت سیاسی منطقه پیوند زند. آنها بارها بیان کردند که مذاکرات با ایران یک بسته است و تنها به مسئله هسته ای محدود نمی شود و باید امنیت اسرائیل نیز در این مذاکرات بحث و تامین شود. آنچه مربوط به امنیت اسرائیل می شد عبارت قابل تفسیری بود که بر زبان آمریکا همیشه جاری می گردید. رویدادها نشان می دهد که ایران در شرایط فعلی به زیر بار این خواسته نرفته است و عقب نشینی ایران تنها در زمینه صنایع هسته ای و غنی سازی اورانیوم است. به همین جهت خامنه ای، در خطبه های نماز ... ادامه در صفحه ۵

www.toufan.org

صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کارایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573302600
Germany

Toufan آدرس
Postfach 103825
60108 Frankfurt
Germany